


## Feasibility of enforcement of restitution order regarding virtual currencies, a comparative study of Iranian and American law

 **Mojtaba Eshraghi Arani**

Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author)  
Email: mojtabaeshraghi@ut.ac.ir

 **Amirmohammad Ghorbannia**

Master's degree student in private law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran  
Email: Amirmohammad818@gmail.co



### Abstract

Nowadays, the enforcement of restitution orders as a key remedial mechanism in financial crimes faces significant technical and legal challenges when modern technologies, particularly cryptocurrencies, are involved. These challenges stem from the inherent nature and distinctive features of such technologies, including the anonymity of users and the untraceability of transactions. This issue is especially pronounced in Iran, where governmental policy is fundamentally based on prohibition and denial, and where both the mining and utilization of cryptocurrencies are generally prohibited. In stark contrast stands the United States, the birthplace of cryptocurrencies, which has established the most comprehensive and transparent regulatory framework in this field. Accordingly

Journal of Research and  
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research  
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and  
Summer 2025  
(Original Article)

[www.jpl.illrc.ac.ir](http://www.jpl.illrc.ac.ir)

DOI:  
10.22034/jpl.2025.721252


through a descriptive-analytical examination of Iranian laws and regulations and an assessment of the existing legal gaps, and ultimately by conducting a comparative analysis using the U.S. legal approach as a benchmark, the present study reaches the general conclusion that under the current legal regime governing financial crimes, there is no substantive obstacle to applying existing laws to offenses involving cryptocurrencies. This is due to the fact that the distinction lies solely in the means or object of the offense rather than its essence. Furthermore, in the enforcement of restitution orders, it is possible to rely on available technical and operational capacities to facilitate the recovery and return of crypto-assets.

**Keywords:** Civil Enforcement, Financial Crimes, Fraud, Modern Technologies.




## امکان‌سنجی اجرای حکم به رد مال در خصوص ارزهای مجازی، مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران  
(نویسنده مسئول)  
Email: mojtabaeshraghi@ut.ac.ir

مجتبی اشراقی آرانی 

دانشجوی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
Email: Amirmohammad818@gmail.com

امیرمحمد قربان‌نیا 



دانشگاه تهران، تهران، ایران  
www.jpl.illrc.ac.ir

فصلنامه حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران، تهران، ایران

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی  
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴  
(مقاله پژوهشی)

[www.jpl.illrc.ac.ir](http://www.jpl.illrc.ac.ir)

DOI:  
10.22034/jpl.2025.721252

### چکیده

امروزه چگونگی اجرای حکم رد مال به عنوان ضمانت اجرایی مهم در جرایم مالی در صورت به‌کارگیری فناوری‌های نوین، از جمله ارزهای مجازی، به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص آن، مانند عدم امکان ردیابی تراکنش‌ها و گمنامی کاربران، به لحاظ فنی و حقوقی محل چالش است. به خصوص در ایران که سیاست دولت، بر مبنای ممنوعیت و انکار، استوار شده و استخراج و استفاده از ارزهای مجازی اجمالا ممنوع است. در نقطه مقابل، آمریکا، به عنوان مهد پیدایش این ارزها، دارای کامل‌ترین و شفاف‌ترین مقررات در حوزه ارزهای مجازی، است. لذا ضمن مطالعه قوانین و مقررات ایران با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی خلاءهای موجود و در نهایت با مطالعه تطبیقی رویکرد حقوق آمریکا به عنوان معیار، نوشتار حاضر به این نتیجه اجمالی خواهد رسید که در قوانین فعلی ناظر بر جرائم مالی، به دلیل عدم تفاوت ماهوی و صرفا تفاوت در ابزار یا موضوع

جرم، مانعی برای اعمال این قوانین بر جرایم ارزشهای مجازی وجود نداشته و در اعمال رد مال نیز، می‌توان از ظرفیت‌های فنی و اجرایی، در راستای بازگردانی ارزشها استفاده نمود.

**کلیدواژه‌ها:** اجرای احکام مدنی، جرایم مالی، فناوری‌های نوین، کلاهبرداری.

## مقدمه

امروزه در روابط مالی، ارزشهای مجازی به عنوان ابزاری نسبتاً جدید، کاربرد بسیاری دارند. استفاده از این ارزشها مزایایی دارد اما در مقابل معایب و چالشهایی نیز به دنبال خواهد داشت که می‌توان از جمله، به نقض نظام اقتصادی جوامع، برهم خوردن تعادل بازارهای مالی و افزایش جرایم در قالب های جدید، به دلیل ماهیت و ویژگی این ارزشها مانند عدم امکان ردیابی مبدا و مقصد تراکنشها و گمنامی کاربران، اشاره کرد (آذری و دیگران، ۱۴۰۱: ۲). به دلیل چالشهای مذکور، تلاش برای تعریف و تبیین ماهیت ارزشهای مجازی و وضع قوانین در راستای تنظیم روابط موجود در این حوزه، ضروری به نظر میرسد. اما در بسیاری از کشورهای جهان در مورد شناسایی یا اعتبارسنجی ارزشهای مجازی، قانون خاص و کاملی وضع نشده است و قوانین سنتی نیز گنجایش تعیین تمام ابعاد امر را ندارند. در ایران نیز، این خلاءهای قانونی مشاهده می‌شود. برای مثال در راستای تعیین ماهیت ارزشهای مجازی، از آنجاییکه مقنن تعریف مشخصی از ارزش ارائه نکرده است، ارزشهای مجازی را نمیتوان به راحتی به عنوان ارزش تلقی کرد. در مورد شمول عنوان پول بر آن نیز تردید وجود دارد و نظرات دکترین مختلف و گاه متضاد است. تمام این ابهامات ناشی از سیاست حقوقی دولت ایران در مقابله با این پدیده است که مبتنی بر منع و انکار استوار شده است. لذا وضع سیاستهای درست قانونی و اجرایی و ارائه تعریف مشخص و تعیین ماهیت این ارزشها، تعیین سیستم مشخصی برای استخراج و معاملات ارزشمجازی، معین نمودن ابعاد حقوقی امر، از الزامات نظام حقوقی ایران در جهت کاربرد این ارزشهاست. هرچند این ارزشها به صورت رسمی و به عنوان ابزار پرداخت یا موضوع معاملات، مورد پذیرش نیستند اما رواج آنها در جامعه و مورد استفاده بودن آنها توسط مردم، لزوم وجود این مقررات را بر ما روشن میسازد (صادقی و ناصر، ۱۴۰۰: ۲۷۵). ضمن اینکه وضع مقررات ناظر به جرم و مجازات نیز باید دغدغهای اصلی مقنن باشد چراکه به دلیل ماهیت خاص ارزشهای مجازی، فرایند

جرم یابی، شناسایی مجرمان، تحصیل ادله، رسیدگی و اثبات جرم و در نهایت اعمال مجازات، با چالش های جدی مواجه است. از آنجایی که جرایم ارزشهای مجازی در حیطه جرایم مالی قرار می گیرند، به دلیل لزوم اعاده بزه دیده به وضع اولیه پیش از جرم، در اکثر این جرایم، رد مال به عنوان ضمانت اجرایی مشترک و بسیار مهم، خودنمایی میکند (احمدی، ۱۴۰۰: ۸۹۰). لکن نحوه ی اجرای حکم رد مال در صورتی که موضوع جرم، ارزشهای مجازی باشند، با تردید روبه رو است چراکه مشخص نیست که با وجود ساز و کار های پیچیده در نقل و انتقال ارزشهای مجازی، فارغ از کشف جرم و شناسایی مجرم، استرداد ارز مجازی به مالک اصلی آن به لحاظ اجرایی، چگونه صورت می گیرد.

بنابر مطالب معنونه، در این مقاله سعی می گردد تا با شناخت قوانین وضع شده پس از رواج ارزشهای مجازی در ایران و همچنین مطالعه قوانین از قبل موجود و ظرفیت های آن، ماهیت ارزشهای مجازی در نظام حقوقی ایران و راه حل های حقوقی ارائه شده توسط مقنن ایرانی ارزیابی شده و به طور خاص، نحوه ی اجرای حکم رد مال در این جرایم بررسی گردد. در این خصوص در سال ۱۴۰۱ نیز دو نظریه مشورتی از اداره حقوقی قوه قضاییه صادر شده که با وجود ماهیت ارشادی، به نوعی آخرین و صریح ترین اراده ی شبه قضایی در خصوص رد مال در جرایم از طریق ارزشهای مجازی محسوب می شود که بررسی آن نیز ضروریست. اما برای شناخت رویکردی صحیح و شفاف در این حیطه و ارزیابی کیفی قوانین و مقررات ایران، باید معیاری برای مقایسه داشت. بنابراین ضرورت مطالعه ی تطبیقی این موضوع بر ما روشن می گردد. برای نیل به این هدف و انجام این ارزیابی، بایستی به رویکرد قوانین آمریکا در خصوص ارزش مجازی و جرایم از طریق آن، به عنوان سنجه، رجوع نمود؛ چرا که در این زمینه، آمریکا، به عنوان مهد پیدایش ارزشهای مجازی و کشوری پیشگام در تقنین و تنظیم گری ابعاد مختلف این پدیده، شناخته می شود که کامل ترین و روشن ترین قوانین را در مورد ارزشهای مجازی داراست.

با تبیین ابعاد و اهمیت موضوع، در این مقاله، پس از تعریف مفاهیم اصلی و بررسی ماهیت، ارکان و ویژگی های ارزشهای مجازی، ضمن بررسی نحوه اجرای رد مال در جرایم مالی از طریق ارز مجازی طبق قوانین موضوعه‌ی ایران، با نگاهی تطبیقی در جهت مقایسه‌ی رویکردها و راه حل های حقوقی ایران و آمریکا، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، خلاءهای موجود و راهکارهای رفع این خلاءها، بحث خواهد شد.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲/۱. تعریف ارزشهای مجازی

ارز مجازی، وسیله ای است که به شکل خصوصی، در جهت ساده سازی مبادلات مالی بین افراد و بدون نیاز به وجود نهاد مرکزی واسط، ایجاد شده است. فناوری خاصی که ارزشهای مجازی بر مبنای آن کار می کنند، بلاکچین نامیده می شود. ارز مجازی به دو قسم قابل تبدیل به پول و غیرقابل تبدیل به پول، تقسیم می شود. خود ارزشهای قابل تبدیل نیز به متمرکز و غیر متمرکز تقسیم می شوند (آذری و افضل، ۱۴۰۱: ۳). از مهمترین و مشهور ترین مصادیق ارزشهای مجازی، بیت کوین است که در دسته ارزشهای مجازی رمزنگاری شده غیرمتمرکز قرار می گیرد (شعبانی، دهکلانی، ۱۳۹۹: ۲۱۱). همچنین سازمان خدمات درآمد داخلی ایالات متحده آمریکا، ارزشهای مجازی را این گونه تعریف می کند: « بازنمایی دیجیتالی ارزش که در جایگاه واسط مبادله، سنجش ارزش یا ذخیره ارزش کار می کند.» (IRS, 2014).

### ۲/۲. تعریف جرایم مالی

جرایم مالی جرایمی هستند که به صورت تصرف در اموال دیگری برای کسب عواید مالی و به شکل غیرقانونی جلوه می کنند. مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ... . جرایم اقتصادی مانند پولشویی و مفاصد مالی مثل اختلاس نیز در معنای موسع جرایم

مالی می‌گنجد اما در معنای خاص با آن تفاوت‌هایی دارند. جرایم اقتصادی در نظام اقتصادی کشورها تاثیر بسیاری داشته و باعث اخلاص در آن می‌شوند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱) و هدف آن آسیب به اقتصاد و نظام اقتصادی است. لذا حفظ نظم اقتصادی کشور انگیزه جرم‌انگاری جرایم اقتصادی است اما در جرایم مالی، هدف حمایت از مالکیت است (ساکي، ۱۳۸۹: ۲۶). تعدادی از جرایم اقتصادی نیز جنبه‌ی گسترده و بین‌المللی دارند و برای آنها در سطح جهان مقرراتی متحدالشکل وضع شده یا موضوع کنوانسیون‌ها و توافقنامه‌ها هستند، مثل پولشویی. لکن جرایم مالی اکثراً جنبه داخلی دارند (باقرزاده، ۱۳۸۳: ۳۲). اما فساد مالی یعنی فساد کارکنان دولت نسبت به اموال دولتی یا جرایمی که در راستای انجام وظایف خود مرتکب میشوند. (ساکي، ۱۳۸۹: ۲۶).

به هر حال ممکن است مال موضوع جرایم مالی، یا ابزار ارتکاب آن‌ها، ارزشمندی باشد. اکثر جرایم ارزشهای مجازی، با توجه به اینکه این ارزشها اجمالاً مال تلقی می‌شوند و تعدی نسبت به آن‌ها، تعدی به حق مالکیت صاحب آن است، در زمره جرایم مالی قرار می‌گیرند. البته این اعمال در حیطه‌ی گسترده می‌توانند مشمول عنوان جرایم اقتصادی یا فساد مالی نیز باشند.

### ۲/۳. تعریف رد مال

رد مال به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای جرایم مالی، در مرحله رسیدگی و اجرای حکم، در کشور ما دارای قوانین صریح و مدون و کاملی نیست. بنابراین تعیین بسیاری از ابعاد آن، به رویه قضایی واگذار شده است. رد مال یعنی باز پس دادن مال متعلق به مالک که به شکل غیرقانونی تحصیل شده است. به بیان دیگر، رد مال یعنی بازگرداندن عین، مثل یا قیمت مال حاصل از جرم، حسب مورد به صاحب اصلی، متصرف یا حاکم که میان عین و مثل و قیمت، ترتب وجود دارد (احمدی، ۱۴۰۰: ۸۹۰). البته گاهی مقنن در کنار رد مال، از اصطلاح استرداد نیز استفاده کرده است. برای مثال در ماده ۲۱۵ قانون مجازات

اسلامی و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، به استرداد اموالی که از شاکی در پی ارتکاب جرم برده شده و در جریان رسیدگی کشف و یا توقیف گشته، اشاره شده است. گاهی هم منظور مقنن از رد مال، ضبط و مصادره اموال بوده است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۴) که در بخش های بعدی به تشریح آن خواهیم پرداخت.

در حقوق آمریکا، رد مال با واژه ی Restitution قرابت دارد. این اصطلاح در گذشته، برای استرداد یک شیء یا شرایط خاص به کار می رفت. اما در حقوق مدرن معنای آن گسترده شده است و نه تنها شامل اعاده چیزی به صاحب واقعی آن می شود، بلکه شامل غرامت، بازپرداخت، جبران خسارت، یا پرداخت منافع بدست آمده ناشی از نقض تعهد به طرف غیرناقص و حتی جبران آسیب جسمی با پرداخت پول نیز می گردد. اما همان طور که گفته شد، در گذشته معنای این اصطلاح مضیق تر بوده و بیشتر در دارا شدن بلاجهت یا Unjust enrichment مطرح می شده است. لذا در حقوق مدرن کامن لا، برای رد مال میتوان اصطلاح Restitution of property را دقیق تر دانست چون دایره ی استرداد را محدودتر می کند (Virgo, 2015: 10-15).

### ۳. امکان سنجی رد مال در جرایم ارزشهای مجازی

#### ۳/۱. ارزشهای مجازی در حقوق ایران و آمریکا

##### ۳/۱/۱. ماهیت ارزشهای مجازی

اولین ماهیت متصور برای ارز مجازی، ارز است که در قوانین ایران تعریف دقیقی ندارد. در بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، پول رایج کشورهای دیگر شامل اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی، ارز تلقی شده است (نبوی و صابر، ۱۳۹۹: ۱۹۱). اما منظور این ماده از موارد مذکور، پول یا اسنادی است که توسط دولت آن کشور منتشر شود، لذا ارز مجازی از این تعریف خارج است. در مواد ۲ و ۳ قانون

پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ نیز، ارز نوعی پول دانسته شده که دولت خارجی در قالب اسکناس یا سکه در بازار عرضه می‌کند. پس کلمه ارزی خود را دارا نمی‌باشد (صادقی و ناصر، ۱۳۹۹: ۲۸۸).

موضوع دیگر پول بودن ارز مجازی است. در فقه دو دسته نظر اصلی نیز وجود دارد، برخی ماهیت پول را به قدرت خرید آن می‌دانند و برخی به ارزش اسمی. اما این ویژگی‌ها از سمت مقنن به پول اعطا می‌شود. لکن در پول مجازی، ایجاد کننده ی آن و کاربران این حوزه، ارزش آن را اعتبار می‌کنند (سلیمانی پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۹). از دلایل اینکه بعضی، ارز مجازی را پول نمی‌دانند، عدم مالیت است که به آن خواهیم پرداخت. دلیل دیگری هم ذکر می‌کنند مبنی بر این که حقوق منبعث از معاملات ارزهای مجازی، از نوع حقوق دینی می‌باشند. چراکه در عالم واقع، چنین تعهدی صرفاً متضمن تکلیف پرداخت مبلغ معادل ارزش ارز مجازی مورد معامله است و لذا مانند دینی بر ذمه اشخاص می‌باشد. بنابراین ارز مجازی، نوعی جدید از پول نیست، بلکه یک سند شامل اثبات وجود بدهی است. اما ماهیت پول به قابلیت تبدیل آن نیست، بلکه به قابلیت مبادلاتی آن است. درست مثل اسکناس که ارزش ذاتی ندارد و نماینده ارزش است اما پول تلقی می‌شود. به هر حال در عمل و در قانون، مطابق ماده ۳ قانون پولی و بانکی، امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است. لذا ارز مجازی از نظر قانونی، با توجه به عدم انتشار آن توسط دولت، پول تلقی نمی‌شود (خادمان و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۶۲).

اما برخی ارز مجازی را به درستی، مال تلقی می‌کنند. چراکه مورد تمایل عرف است و مالیت دارد (آذری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۰). در دکترین حقوقی، مال چیزی است که ارزش معامله داشته باشد و بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و همچنین مفید باشد و نیازی را برآورده سازد. همچنین باید قابل اختصاص به شخص معینی باشد (عدل، ۱۳۸۵: ۳۱). مطابق عرف و بنای عقلا، فیزیکی و مادی بودن برای مال تلقی شدن یک چیز، شرط نیست

و مال اعم از عین و منفعت است. ضمن اینکه مال یک مفهوم شرعی و تعبدی نیست، بلکه احکام مربوط به اموال و مالکیت، اکثراً امضایی بوده و تفسیر و تعیین مصادیق آن با عرف است که عرف نیز واضحاً ارزش مجازی را مال می‌داند (آذری و دیگران، ۱۴۰۱: ۴). در حقوق آمریکا، ماهیت ارزش مجازی بسیار منعطف است و بسته به کارکرد ها و موقعیت های مختلف، در راستای عدالت و حقوق شهروندان یا اجرای وظایف دولت، در اشکال مختلف ظاهر می‌شود. کما اینکه قوانین مختلفی هم در سطح فدرال یا در هر ایالت به شکل مجزا بر ارزشهای مجازی حکومت می‌کند.

در ایالات متحده آمریکا، اصولاً ارزشهای مجازی، در دسته دارایی/سرمایه قرار می‌گیرند. وزارت خزانه داری آمریکا، بیت کوین را به عنوان یک ارزش قابل تبادل با دلار پذیرفته است. در مارس سال ۲۰۱۴ هم مرکز درآمدهای داخلی ایالات متحده آمریکا (مقرررگذار امور مالیاتی) این ارزش مجازی را مایملک و دارایی دانسته و بنابراین مقررات مربوط به دارایی و مالیات را در مورد آن، جاری کرده است. همچنین شبکه جرایم مالی آمریکا، ارزش مجازی را یک واسط مبادلات می‌داند که در برخی محیط‌ها به عنوان ارزش هم عمل می‌کند، اما تمام ویژگی‌های ارزش واقعی را ندارد (Fin Cen, 2013). کمیته معاملات آتی کالا (CFTC) نیز در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که بیت کوین به عنوان کالا، مثل نفت و طلا محسوب می‌شود. کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) هم ارزشهای دیجیتال را معادل اوراق بهادار می‌داند (فلاحی و مومنی، ۱۳۹۷: ۱). حتی ایالت وایومینگ آمریکا در سال ۲۰۱۹ لایحه‌ای در خصوص پذیرش ارزشهای مجازی به عنوان پول تصویب کرده است. در ایالت واشنگتن نیز بیت کوین به عنوان پول به رسمیت شناخته شده است. در سال ۲۰۱۳ نیز در ایالت تگزاس، در همین حوزه یک پرونده کلاهبرداری مطرح شد (SEC v. Shavers) که طی آن، دادگاه بیت کوین را به عنوان پول تلقی کرد (E.D Tex, 2013).

### ۲/۱/۳. قوانین حوزه ارزشهای مجازی

در ایران اولین واکنش به ارزشهای مجازی، جلسه شورای عالی مبارزه با پولشویی در تاریخ ۹ دیماه ۱۳۹۶ بود که به کارگیری ارزشهای مجازی در تمامی مراکز پولی و مالی کشور را ممنوع اعلام کرد. بانک مرکزی هم در سال ۱۳۹۷ پیش نویس سند الزامات و ضوابط فعالیت ها در حوزه رمزارزها را منتشر کرد که در آن رمزارز تعریف و طبقه بندی شده است. در سال ۱۳۹۸ نیز، صدور دستورالعملی برای صدور جواز تأسیس و پروانه بهره برداری برای استخراج رمزارز، توسط وزیر صنعت و معدن و تجارت، در دستور کار قرار گرفت. هیئت وزیران هم در جلسه ۶ مرداد ۱۳۹۸ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی، آیین نامه استخراج رمزارزها را تصویب کرد و بیان داشت که استفاده از رمزارزها مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نیست و همچنین استفاده از این رمزارزها در مبادلات داخلی مجاز نیست و استخراج آن هم تنها با اخذ مجوز موردی از وزارت صمت ممکن است. به جز این موارد، امکان انطباق برخی مقررات پولی و بانکی یا قانون تجارت الکترونیک و سایر قوانین بر ارزشهای مجازی ممکن است ولی قوانین خاص و جدیدالوضع راجع به ارزش مجازی محدود به موارد بیان شده می باشد.

در آمریکا، دولت فدرال اختیار وضع مقررات مستقل در خصوص ارزشهای مجازی را به ایالت ها واگذار کرده و کمتر از اختیارات خود در این حوزه استفاده می کند. البته مقررات عام راجع به پولشویی و جرایم سایبری یا مقررات سایر نهادهای ناظر فدرال، در مورد تمام ایالات اجرا می شوند (فلاحی، مومنی، ۱۳۹۷: ۱ و ۷) و نظارتو تقنین در این زمینه ها، توسط کمیسیون معاملات آتی کالا (CFT)، کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) همچنین کمیسیون تجارت فدرال آمریکا (FTC)، سرویس درآمد داخلی IRS دفتر کنترل ارز ایالات متحده (OCC)، و وزارت خزانه داری از طریق شبکه اجرایی جرایم مالی (FinCEN) انجام می شود (شعبانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۴). در آمریکا صرافی های ارزش مجازی تابع

توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی FATF هستند و از قوانین رازداری بانکی و مقابله با پولشویی پیروی می‌کنند. قوانین مالیاتی نیز در مورد ارزش مجازی اعمال می‌شود. در ایالاتی که خرید و نگهداری ارزهای مجازی، مجاز باشد، استخراج آن نیز مجاز است. کمیسیون بورس و اوراق بهادار هم عرضه و فروش هر گونه توکن (ICO) را مجاز و تابع قوانین اوراق بهادار می‌داند. اداره ممیزی ارزی آمریکا (OCC) هم در سال ۲۰۲۰ مجوز خدمات امانت‌داری ارزهای دیجیتال را برای بانک‌های ملی صادر کرد. همچنین قوانین شرط بندی و قمار آنلاین هم بر ارزهای مجازی حاکم است. لکن از حیث پوشش بیمه خارج هستند. به هر حال فعالیت‌های کلان در ارزهای مجازی نیازمند مجوز است. قانون اصلاح قانون فدرال ایالات متحده ۲۰۱۸ به ایالت‌ها اجازه‌ی اداره امور مالی افراد مقیم و ارائه مجوزهای لازم در جهت فعالیت‌های مرتبط را داده است. اما به دلیل لزوم وحدت و تسهیل فرایند اخذ مجوز، در مقررات نمونه شورایی نظارت بر بانک‌های دولتی آمریکا و ذیل کنوانسیون یکنواخت سازی معاملات مبتنی بر ارزهای مجازی، تشریفات اخذ مجوز در تمام ایالات تقریباً یکسان شد (صادقی و ناصر، ۱۴۰۰: ۲۸۳)

بنابراین مشاهده می‌شود که در آمریکا برای تمام ابعاد ارزهای مجازی از ماهیت و تعریف تا کاربردهای مختلف، قوانین کامل و روشنی وضع شده است ولی در ایران دقیقاً در نقطه‌ی مقابل این وضعیت قرار داریم و رویکرد مقنن تنها بر منع و انکار استوار شده است که جای نقد و اصلاح دارد.

## ۳/۲. رد مال در حقوق ایران و آمریکا

### ۳/۲/۱. مبنای رد مال

چند مبنا برای رد مال می‌توان در نظر گرفت. در جرایمی که حکم رد مال دارند، متهم غاصب است و لذا مطابق ماده ۳۰۸ قانون مدنی باید مال مغضوبه را به صاحبش بازگرداند. بنابراین احکام غصب، مبنای اصلی رد مال هستند. ضمن اینکه رد مال نیاز به رسیدگی

قضایی خاصی ندارد و لذا با رسیدگی به جرم و اثبات آن، می‌توان مجرم را به رد مال هم محکوم کرد. برخلاف سایر خسارات که احراز خسارت و رابطه سببیت و ... نیاز به رسیدگی جداگانه دارد. لذا مقنن با پیش بینی رد مال در برخی جرایم، کار بزه‌دیده را راحت کرده است و دیگر نیازی به ارائه دادخواست ضرر و زیان نیست. مبنای دیگر، بحث ترمیم عینی خسارت و اعاده وضع به حال سابق است که یعنی بازگردانی بزه‌دیده به وضع پیش از ارتکاب جرم (سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۵).

در آمریکا از گذشته مهمترین مبنای رد مال، دارا شدن بلا جهت ذکر شده است. در نظرات جدیدتر سعی داشته اند که حقوق مالکیتی افراد را نیز به عنوان مبنای دیگری ذکر کنند. اما به این مبنا ایراد گرفته اند که دارای شدن بلا جهت یک واقعه است که منجر به جبران خسارت می‌شود اما حقوق مالکیتی اشخاص در دسته وقایع حقوقی قرار نمی‌گیرد. ضمن اینکه خود حقوق مالکیتی از ریشه های دارا شدن بلا جهت است. لکن این ایراد از نظر بسیاری، وارد نیست. و لذا میتوان گفت بحث رد مال در مفهوم عام، در حقوق امریکا، بر اساس سه مبنا مطرح می‌شود، اولاً، در دارا شدن بلا جهت (Unjust enrichment)، ثانیاً، در مواردی که متهم مرتکب اشتباهی (Wrongs) شده است و ثالثاً، در جایی که مدعی می‌خواهد حقوق مالکیت خود (Vindicate property rights) را اثبات کند، در اینجا راه حل معمولاً استرداد است. پس مبنای رد مال در مفهومی که در حقوق ایران از آن بحث شده، در آمریکا، حقوق مالکانه است (Virgo, 2015: 15, 17).

در آمریکا، مفهوم رد مال کمی گسترده است و شامل استرداد، اعاده وضع به حالت سابق، بازپرداخت، غرامت، خسارت و زیان ناشی از جرم نیز می‌شود. لذا در قانون حمایت از بزه دیدگان و شاهدان ۱۹۸۲، کنگره به دادگاه های فدرال این اختیار را داد تا در هر پرونده جنایی ناشی از جرمی که در عنوان ۱۸ قانون ایالات متحده منع شده باشد، دستور رد مال بدهند. در قانون کنترل جرایم خشونت آمیز ۱۹۹۴، کنگره آمریکا، کیفر ارتکاب جرائم سوء

استفاده جنسی، بهره کشی جنسی از کودکان و خشونت خانگی را در سطح فدرال، استرداد، به معنای اعاده وضع به حالت سابق با ابزارهای اکثرا ترمیمی در نظر گرفته است. در قانون آمره استرداد به نفع قربانی (MVRA)، کنگره، استرداد را در همین معنا، نتیجه محکومیت برای اکثر جرایم جدی فدرال یعنی جرایم خشونت‌آمیز، جرایمی که در عنوان ۱۸ قانون ایالات متحده ذکر شده و جرایم علیه اموال، از جمله کلاهبرداری، دانسته است. همچنین در این قانون مصادیق جزئی تری نیز ذکر شده مثل، جرایم مربوط به دستکاری در محصولات مصرفی یا سرقت محصولات پزشکی. چند جرم دیگر نیز احکام بازپرداخت دارند: جرایم علیه حیوانات، کودکان، برده داری و قاچاق انسان، سوء استفاده جنسی، استثمار جنسی از کودکان، خشونت خانگی و تعقیب، نقض حق چاپ، تقلب در بازاریابی تلفنی، تلف یا ایراد خسارت به اموال. ضمن اینکه طبق بخش ۶ و ۷ قانون جبران خسارت های خاص ۱۹۶۳، شخصی که به ناحق از دارایی های غیر منقول یا منقول خلع ید شده است، حق دارد آن ها را پس بگیرد (Doyle, 2019: 8, 9, 10) اما به هر حال در آمریکا، به طور کلی پرداخت پول برای جبران خسارات، طریق ارجح است.

### ۳/۲/۲. شرایط رد مال

در حقوق ایران برای حکم به رد مال شرایطی نیاز است. برای مثال مال نباید هنوز کشف یا توقیف شده باشد چون در این صورت مقررات استرداد حاکم است و نوبت به رد مال نمی‌رسد. ضمن اینکه حکم به رد مال نباید به صورت کلی و مبهم باشد و باید اموال مورد رد دقیقا مشخص شوند. علاوه بر این، در خصوص مال مورد نظر، اینکه استفاده از کلمه‌ی مال از باب غلبه است و حکم رد مال در مورد اشیاء (ملک) که مالیت ندارد نیز جاری می‌شود. همچنین حکم رد مال شامل اوراق و اسناد نیز می‌گردد. در خصوص شرایط درخواست، گفتیم رد مال نیاز به دادخواست مطالبه ضرر و زیان ندارد و در کنار حکم اصلی

به رد مال نیز حکم می‌شود، مگر مال از اموال غیرمنقول بوده یا به ثالث منتقل شده باشد (جعفرسعیدی، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۷).

در حقوق آمریکا درمورد تحقق رد مال شرایط خاصی ذکر شده، از جمله مرتبط بودن جرم یا خطا به زیان (رابطه سببیت)، بحث تخصیص ریسک در معاملات بین افراد و توافق در این خصوص، احترام به آزادی اراده و استقلال طرفین، ماهیت رابطه بین طرفین، نسبت اصول به امارات موجود، نقش نظم عمومی در پرونده، رابطه ی قانون و انصاف و در نهایت نسبت قوانین و اختیارات افراد (Virgo, 2015: 34-42).

### ۳/۲/۳. اجرای حکم رد مال

در ایران در خصوص نحوه اجرای رد مال مقررات روشنی نداریم و میان دادگاه ها نیز رویه متفاوت است. به هر حال در قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، احکامی در مورد رد مال پیش بینی شده است.

در شروع فرایند، در دادسرا، باید مبلغ یا مقدار مال حاصل از جرم برای ذکر در کیفرخواست، معین گردد. این امر به لحاظ اهمیت استرداد مال مطابق ماده ۲۱۵ قانون مجازات و صدور قرار تامین، باید به دقت انجام شود. به خصوص اینکه قاضی در حکم خود نمی‌تواند مبلغی بیشتر از مبلغ ذکر شده در کیفرخواست یا مالی علاوه بر آن را جهت رد مال ذکر کند. در صورت وجود عین مال و توقیف آن نیز، در مرحله رسیدگی مقدماتی در دادسرا یا هر مرحله از رسیدگی به موجب دستور یا قرار یا حکم می‌توان اموال را به صاحب آن مسترد کرد و نوبت به رد مال نمی‌رسد. رد مال در صورتی که اصل مال موجود نیست، در صورت مثلی بودن باید از طریق تحویل مثل مال و در صورت قیمی بودن از طریق پرداخت قیمت آن انجام شود. ارزش مال در زمان اجرای حکم محاسبه می‌شود و لذا برای مطالبه تغییرات قیمت نیاز به دادخواست جداگانه مطالبه ضرر و زیان نیست. اما تبصره ماده ۱۹

قانون آیین دادرسی کیفری صراحت دارد که در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است (احمدی، ۱۴۰۰: ۹۱۰). ضمن اینکه در مقام اجرا، تفاوتی ندارد که مال موضوع جرم چه چیزی باشد و صرف مال بودن برای امکان رد مال کافی است. گرچه در مورد پول اختلافاتی وجود دارد.

بنابراین و با توجه به مطالب معنونه و صدق عنوان مال بر ارزشهای مجازی و امکان تطبیق شرایط رد مال و همچنین امکان تصور آن‌ها به عنوان موضوع جرایم مالی موجود در قوانین مختلف، در جرایم مشمول حکم رد مال، در مورد ارزشهای مجازی نیز می‌توان حکم به رد مال صادر کرد. ماده ۷۴۱ قانون مجازات نیز این امر را تایید کرده و در جرایم رایانه منجر به تحصیل مال، رد مال را پیش بینی می‌نماید. لذا از این جهت تفاوتی بین ارزش مجازی و سایر اموال وجود ندارد. اما ارزشهای مجازی به دلیل ویژگی‌ها و ماهیت خاص خود ممکن است ابهاماتی در روند اجرای حکم رد مال ایجاد کنند.

در این راستا، آخرین اراده‌ی شبه قضایی در خصوص رد مال در جرایم ارزشهای مجازی، هرچند غیر الزام آور اما توسط اداره کل حقوقی قوه قضاییه، در دو نظریه به شماره‌های ۱۶۲۳/۱۴۰۰/۷ و ۱۵۵۵/۱۴۰۰/۷ در سال ۱۴۰۱ تبیین شده است. استعلام به این صورت بوده در جرایم ارزشهای مجازی، مبنای ارزیابی ارزش، زمان تحصیل ارزش مجازست یا زمان اجرای حکم؟ آیا محکومیت به مقدار ریالی وجه رایج کشور صورت گیرد یا به عین ارزش موضوع کلاهبرداری؟ در صورت اول، مطابق مقررات بانک مرکزی و ممنوعیت ارزشهای مجازی، تعیین ارزش ریالی آن‌ها ممکن نیست. آیا معادل سازی آن با ارزشهای رایج مانند یورو و دلار آمریکا وجاهت دارد و یا آن که موضوع از مصادیق ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی است و باید مال موضوع جرم را در حکم تلف تلقی کرد و در صورت عدم تراضی طرفین راجع به قیمت، مالباخته را به اقامه دعوی خسارت ملزم بدانیم؟

هر دو نظریه مشورتی در پاسخ این طور گفته اند، اولاً، طبق ماده ۳۱۲ قانون مدنی و ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای)، معادل آنچه از کیف پول الکترونیکی برده شده است، باید به مالباخته مسترد شود؛ از آن جا که مال موضوع سؤال مثلی تلقی می‌شود، دادگاه باید حکم به پرداخت ارز دیجیتال صادر کند و در صورت امتناع، با عنایت به این که معامله ارزهای دیجیتال بر اساس مقررات بانک مرکزی و تصویب‌نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۷۳ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۶ هیئت وزیران در مبادلات داخلی رسمیت ندارد، لذا توقیف و فروش آن به وسیله اجرای احکام ممکن نیست؛ بنابراین در حکم مالی است که به آن دسترسی نیست و با توجه به ملاک ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ قیمت آن به تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی، بهای آن به قیمت یوم‌الاداء به وسیله کارشناس و خبره محاسبه و از محکوم‌علیه وصول و به محکوم‌له پرداخت می‌شود.

در صورت عدم امتناع مجرم و استرداد همان میزان برده شده ی ارز مجازی به بزه‌دیده، تردیدی نیست که از این جهت، اعاده به وضع سابق حاصل شده است و امکان مطالبه ی هیچ وجه دیگر یا ضرر و زیانی متصور نیست. اما در مورد نظریه ها چند نکته قابل ذکر است، اولاً، این نظریه ها در متن خود دچار تعارض هستند، چراکه اگر مطابق با مقررات بانک مرکزی، ارزهای مجازی در معاملات داخلی پذیرفته شده نمی‌باشند لذا امکان توقیف و استرداد آن وجود ندارد، چگونه بهای آن به جای عین پرداخت می‌گردد؟ اگر بانک مرکزی این ارزها را مشروع نمی‌داند، پس بهایی نیز برای آن متصور نخواهیم بود. اما اگر بها و عوضی دارد، پس نباید برای استرداد آن نیز مشکلی وجود داشته باشد. ثانیاً، در صورت عدم وجود ارز مجازی در کیف پول مجازی مجرم، با توجه به پیچیدگی نقل و انتقالات ارز مجازی و عدم امکان نظارت و کنترل بر آن و مشخص نبودن مبدا و مقصد تراکنش ها، راه حل معقول، پرداخت قیمت ارزهای مجازی است. اما اداره حقوقی در خصوص نحوه

محاسبه قیمت اظهارنظر دقیقی نکرده است و صرفا امر را به کارشناس یا تراضی طرفین ارجاع داده. از آنجایی که محاسبه دقیق قیمت از مجازی به ریال ممکن نیست، لذا بهتر است مطابق با عرف جهانی در این زمینه، قیمت ارز مجازی برده شده به صورت یوم الادا، بر مبنای دلار یا یورو محاسبه و پرداخت شود. لذا ارز مجازی قطعا قابل تقویم بوده و مشمول انتهای ماده ۴۶ قانون اجرای احکام نمی شود. ثالثا، در صورتی که مقدار ارز مجازی برده شده، در کیف پول مجازی مجرم موجود باشد، در صورت امتناع او نسبت به استرداد، دادگاه می تواند خطاب به صرافی ارائه دهنده خدمات به مجرم یا ارائه دهنده خدمات کیف پول مجازی ایشان، در صورت امکان و دسترسی، دستور جابه جایی ارزهای مجازی را به کیف پول بزه دیده صادر نماید. مطابق ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی نیز، هر گاه شخص محکوم به انجام عمل معینی باشد و از آن امتناع ورزد عمل توسط ثالث انجام می شود. بنابراین منع قانونی وجود ندارد. رابعا همان طور که گفته شد، در نظریه مشورتی گفته شده است که، با عنایت به این که معامله ارزهای دیجیتال بر اساس مقررات بانک مرکزی و تصویب نامه هیئت وزیران در مبادلات داخلی رسمیت ندارد، لذا توقیف و فروش آن به وسیله اجرای احکام ممکن نیست. توقیف که نوعی مبادله نیست و لذا مشمول این مقررات نمی شود. در مورد فروش، چرا به جای فروش، ارز مجازی مستقیما به کیف پول مالک مسترد نشود که بر آن صدق عنوان مبادله نیز ممکن نباشد؟ چرا که مالکیت ایشان بر ارز مجازی محرز است و استرداد مال به صاحب، مبادله یا معامله نیست. ضمن اینکه دلیل عدم امکان توقیف، منع قانونی ذکر شده است و ظاهرا مانعی به لحاظ فنی و اجرایی و از نظر دسترسی وجود ندارد. خامسا، در بند یک مصوبه هیئت وزیران، ریسک استفاده از ارزهای مجازی بر عهده خود کاربران نهاده شده و متعاقبا بیان شده که استفاده از آن ها در مبادلات داخل کشور مجاز نیست. بنابراین ظاهرا استفاده از ارز مجازی ممنوع نشده است. اما مگر استفاده، به طریقی غیر از مبادله ممکن است؟ ارز مجازی در ابتدا یا

خریداری می‌شود و یا استخراج، که استخراج در بند دو با شرایطی پذیرفته شده. پس از آن نیز یا نگهداری می‌شود یا به فروش می‌رسد. لذا فرض انجام مبادله بسیار رایج است و استفاده‌ی بدون مبادله بسیار دور از ذهن می‌باشد. در سطح جامعه نیز افراد زیادی اقدام به مبادله ارز مجازی می‌کنند و صرافی‌های زیادی هم در این زمینه مشغول به کار هستند. بنابراین به نظر می‌رسد منظور از این بند، منع استفاده از ارزهای مجازی در مبادلات رسمی یا کلان کشور و یا به عنوان ابزار پرداخت است و طبق همین برداشت، انتقال از مجازی از مجرم به صاحب یا توقیف و فروش آن توسط اجرای احکام، مشکلی نخواهد داشت. نظریه مشورتی دیگری نیز در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ به شماره ۱۶۰۲/۱۴۰۰/۷ صادر شده که طبق آن تنها مزایده و توقیف ارز مجازی مطابق ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی ممکن نیست چون مشمول عنوان مبادله است و لذا رد مال منعی ندارد.

بنابراین در مورد رویکرد مقنن نسبت ارز مجازی و عدم شفافیت و تقنین کامل و دقیق در این خصوص و همین‌طور رویکرد موجود در اجرای احکام و به ویژه رد مال، جای نقد بسیار است. لذا برای داشتن معیاری جهت مقایسه و رفع نواقص موجود، رویکرد حقوق آمریکا در رد مال ارزهای مجازی بررسی می‌گردد.

تفاوت اصلی فقه و حقوق ایران با نظام حقوقی آمریکا و کامن لا در این است که در ایران اصل بر رد عین است، چه در غصب چه در جرایم مشمول حکم رد مال. به شکل استثنایی رد مثل و قیمت هم پیش بینی شده است. البته در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به اختیار دادگاه در تعیین میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن با توجه به اوضاع و احوال قضیه اشاره شده است اما حکم این ماده ناظر بر جبران ضرر و زیان ناشی از اسباب ضمان مدنی از جمله اتلاف و تسبیب بوده و به طور خاص به امر استرداد وجوه و نحوه اعاده وضع به حالت سابق نمی‌پردازد و لذا ظرفیت کافی را جهت ایجاد گشایش در موضوع مورد بحث این نوشتار را در غیاب نص صریح و مقررات فنی ناظر به نحوه اجرای احکام مدنی و کیفری

در خصوص ارزشهای مجازی، ندارد. اما در آمریکا، اصل بر جبران تمام خسارات با پرداخت پول است. حتی با وجود عین، بزه‌دیده می‌تواند دریافت خسارت را به جای دریافت عین مطالبه کند. حتی عنوان دعوی غصب و مطالبه خسارت با دعوی مطالبه عین (Replevin) متفاوت است. لذا در آمریکا در وهله اول در جرایمی که موضوع آن ارز مجازی باشد، حکم می‌شود که مجرم معادل پولی ارزشهای برده شده را پرداخت نماید (معمدی، گوهریان، ۱۳۹۰: ۱۴۵). قانون آمره استرداد سال ۱۹۹۶ نیز رویه‌هایی را برای تعیین میزان جبرانی که قربانی ممکن است مستحق آن باشد، مشخص کرده است. طبق قوانین فدرال، استرداد برای پرونده‌هایی که پس از ۲۴ آوریل ۱۹۹۶ طرح می‌شوند، الزامی است. قربانیان شناسایی این فرصت را خواهند داشت که درخواست استرداد کنند و خسارات خود را به طور مفصل در یک بیانیه خسارت توضیح دهند. این بیانیه توسط افسر مراقبت ایالات متحده یا دفتر دادستانی، پس از محکومیت متهم در محاکمه یا اعتراف به جرم ارائه می‌شود. این بیانیه به قربانیان این فرصت را می‌دهد تا در مورد پیامدهای مختلف جرم، از جمله مالی، اجتماعی، روانی و یا پزشکی گزارش دهند. به هر حال اگر دادگاه تشخیص دهد که تعیین استرداد در یک پرونده بسیار پیچیده است، ممکن است از صدور حکم استرداد امتناع کند و تنها حکم به جبران خسارت بدهد. برای پرونده‌هایی که بعد از ۲۴ آوریل ۱۹۹۶ تشکیل شده است، منشی دادگاه ایالات متحده مسئول توزیع پرداخت‌های استرداد است. برای جرائم قبل از آن تاریخ، دفتر دادستانی ایالات متحده، واحد دعاوی مالی (FLU)، منشی دادگاه ایالات متحده، یا اداره مراقبت ایالات متحده ممکن است بسته به ناحیه مسئول باشند. (DOF Rep, 2020: para 4,7,8,16). مطابق قانون آمره ی استرداد، دادگاه مجرم را به بازپرداخت ارزش مال در تاریخ صدور حکم، محکوم می‌کند. یک ارز رمزنگاری شده در آمریکا مشابه یک کالای مثلی است که ارزش دقیق بازار آن قابل محاسبه است. برخی هم می‌گویند باید میانگین قیمت ارز مجازی در دوره پس از جرم تا زمان

استرداد محاسبه و پرداخت شود. به هر حال واحد دعاوی مالی (FLU) مسئول اجرای احکام استرداد ارزشهای مجازی نیز هست. حکم استرداد به مدت بیست سال قابل اجرا است. ضمن اینکه صرافی های ارزشمجازی مطابق مقررات مبارزه با پولشویی و رازداری بانکی، ملزم به احراز هویت کاربران و نظارت بر تراکنش ها می باشند و لذا در صورت حکم به رد ارزشهای مجازی، این حکم از طریق صرافی ها، که دارای مجوز و تابع قوانینی هستند، اجرا می شود و از این جهت محدودیت اجرایی برای واحد دعاوی مالی وجود ندارد (DOF Rep, 2020: para 11).

## نتیجه

ارزهای مجازی به عنوان پدیده هایی نوظهور در حوزه روابط مالی و تجارت جهانی، به تدریج در حال همه گیری و توسعه ابعاد و کاربردهایشان هستند. در همین راستا، حقوق به عنوان اولین متولی برقراری نظم در جوامع مدرن، عهده دار تنظیم مقررات و تعیین حدود و احکام این پدیده های نوین است. همان طور که در کشورهای پیشرفته و پیشگام در این زمینه مانند آمریکا، حقوق این نقش را به نحو احسن، از طریق پیش بینی نهادهای مقنن و ناظر، رسمیت بخشی و تعریف ارز مجازی، اعطای مجوزهای فعالیت و تعیین حدود آن، حمایت از مالکیت و فعالیت های مشروع شهروندان و حل اختلافات ناشی از روابط این حوزه و تعیین ضمانت اجرا برای تخلفات، انجام می دهد.

لکن در کشور ما، در تمام زمینه های مذکور، ضعف های جدی و ساختاری مشاهده می شود که همه به رویکرد به ظاهر محافظه کارانه قانون گذار باز می گردد که اتفاقاً خود به جای کاهش آسیب ها، منجر به افزایش آن ها شده است. از جمله عدم تعریف ارزهای مجازی و مشخص نبودن ماهیت آن، باعث ایجاد تردید در امکان اعمال بسیاری از مقررات موجود بر آن ها شده و رویکرد منع و انکار، نمی تواند جلوی مسائل مستحدثه و استفاده از ارزها را در کشور بگیرد. لذا برای مثال در زمینه جرایم مالی، که ارزهای مجازی به لحاظ ویژگی های خاصشان، مستعد به کار گیری به عنوان ابزار یا واقع شدن به عنوان موضوع در این دسته از جرایم هستند، برخی درمورد امکان اعمال مقررات موجود مثلاً در زمینه کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس، پولشویی و سایر جرایم مالی، دچار تردید می شوند. حتی اگر به دلیل ناچاری و مبتنی بر لزوم تنظیم روابط، این مقررات را جاری بدانیم، در خصوص نحوه اعمال ضمانت اجراها، تردید جدی وجود دارد. همان طور که در این نوشتار، به طور خاص در مورد رد مال به آن اشاره شد.

اما در نهایت، اصلی ترین نتیجه حاصل از این نوشتار، این نکته خواهد بود که با الگو گیری از کشورهای پیشروی جهان از جمله آمریکا و همچنین تفسیر غایت مدار قوانین موجود در راستای کارایی، می توان تا حدی به اجرای عدالت در حوزه روابط مبتنی بر ارزشهای مجازی، نزدیک شد. کما اینکه دریافتیم برای شمول عناوین مجرمانه موجود در قوانین فعلی بر جرایم ارزشهای مجازی، به دلیل عدم تفاوت ماهوی و صرفا تفاوت در ابزار یا موضوع جرم، مانعی وجود نداشته و در اعمال رد مال نیز، می توان از ظرفیت های فنی و اجرایی، در راستای بازگردانی ارزشهای مجازی تحصیل شده از طریق ارتکاب جرم به صاحب اصلی استفاده کرده و حکم به رد مال داد. در صورت عدم امکان به دلیل امتناع، اختیارات قانونی دادگاه ذیل توقیف و یا صدور دستور خطاب به صرافی ها یا اشخاص دارای دسترسی جهت تسهیل رد مال می تواند راه گشا باشد. در صورت انتقال یا خارج شدن ارزشها نیز، امکان وصول مبلغ آن از سایر اموال شخص مجرم موجود است. همچنین با توجه به مالیت مسلم ارزشهای مجازی، در مواقع لزوم، امکان ارزش گذاری آن ها بر مبنای دلار یا یورو و پرداخت قیمت به بزه دیده نیز جود دارد.

در پایان بهتر است مقنن به طور کلی احکام و مقررات مربوط به رد مال را روشن ساخته و خلاء های موجود در این زمینه را رفع کند تا از برداشت های مختلف توسط دادگاه ها جلوگیری شود. از جمله پیش بینی رد مال در سایر جرایم مشابه با سرقت و کلاهبرداری و اختلاس مثل خیانت در امانت یا روشن ساختن تکلیف جرایم در حکم کلاهبرداری. همچنین در مورد لزوم یا عدم لزوم ارائه دادخواست مجزا برای رد مال، بهتر است رویکرد مقنن به شکل واضح بیان گردد. ضمن اینکه در کنار نهاد رد مال، می توان اعاده وضع به حالت سابق را نیز به عنوان یک اصل در قانون پیش بینی کرد، چه از طریق اقدامات ایجابی و ترمیمی توسط مجرم و چه سلبی تا کاستی های نهاد رد مال برای تضمین حقوق بزه دیده جبران گردد. کما اینکه، پیش از تمام اینها، اگر تکلیف ماهیت رد مال (مجازات است یا

جبران خسارت؟) مشخص گردد، بسیاری از احکام آن را می‌توان از کلیات و اصول دیگر استنباط کرد.

در خصوص ارزشهای مجازی نیز، لازم است مقنن اولاً همراه با تغییرات و پیشرفت اقتصاد و تجارت جهانی، این ارزشها را تعریف کرده و ماهیت آن را مشخص ساخته و به آن رسمیت ببخشد و ثانیاً احکام و آثار روابط مبتنی بر آن را نیز معین سازد. بهتر است ترجیحاً قانون خاصی در این زمینه وضع شود که با مشورت فعالان این حوزه و کارشناسان تدوین شده باشد. اتفاقاً همین امر باعث امکان نظارت و تنظیم‌گری در مورد ارزشهای مجازی می‌شود و پذیرش و رسمیت دادن به یک امر، به معنی قبول کردن بی‌قید و بند آن و لزوماً دارای مفسده نیست. ضمن اینکه باید نهادی رسمی عهده‌دار تنظیم‌گری و نظارت در این زمینه شود تا مانند وضعیت فعلی شاهد مقررات پراکنده و مبهم از جانب بانک مرکزی و هیئت وزیران و نهادهای دیگر نباشیم. درست مانند امریکا که دارای قوانین روشن و گسترده در خصوص تمام ابعاد این پدیده‌ها است و در این کشور نهادهای مختلفی به شکل رسمی اقدام به صدور مجوز و نظارت بر اجرای قوانین این حوزه می‌کنند. چراکه خواه ناخواه، ارزشهای مجازی جای خود را در روابط و مبادلات داخل کشور باز کرده‌اند و رویکرد منع و انکار و سپردن ریسک مبادلات به خود کاربران، باعث بی‌نظمی و نقض غرض تمام قوانین و مقرراتی است که در جهت تسهیل روابط و کاهش اختلافات می‌کوشند. لذا دولت موظف است که رویکرد درست و دقیقی در قبال این ارزشها اتخاذ کند. از جمله صدور مجوز برای صرافی‌ها و فعالین حوزه ارزشهای مجازی و وضع مقررات نظارتی بر آن‌ها و اعمال قوانین پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم بر این فعالیت‌ها، تعیین ضوابط همکاری بخش خصوصی و دولتی در این حوزه، تعیین وظایف ناظران و ضابطان قانونی و ارائه آموزش‌های لازم به آن‌ها و تدوین روش‌های پیشگیری، کشف جرم و مقابله با آن، اجرای احکام و توقیف و نگهداری از ارزشهای مجازی. از این طرق، مشکلات فعلی به ویژه در حوزه رد مال نیز حل

خواهد شد. ضمن اینکه پیشنهاد می‌شود در وضعیت فعلی، از مصوبه هیئت وزیران تفسیر کاربردی تری ارائه شود تا دادگاه‌ها در اجرای ردمال با مانع مواجه نشوند. ضمن اینکه بهتر است معیاری نیز برای ارزش‌گذاری و کارشناسی، مثل دلار یا یورو، جهت جبران زیان در این زمینه مشخص گردد.

## فهرست منابع

### الف- منابع فارسی

۱. ایمانی، عباس (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ اول، تهران: نشر آریان.
۲. باقرزاده، احد (۱۳۸۳). جرایم اقتصادی و پولشویی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۳. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۴. عدل، مصطفی (۱۳۸۵). حقوق مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات طه.

### مقاله

۵. احمدی، مصطفی (۱۴۰۰). «چالشهای رد مال در رویه قضایی کیفری ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، (۱۸)، ۸۸۹-۹۲۶.
۶. آذری، سکینه و افضلی، روح الله و تارم، میثم (۱۴۰۰). «بررسی احکام فقهی ارز مجازی»: مطالعه موردی بیت کوین، نشریه مطالعات فقه اقتصادی، ۳ (۴)، ۱۰۱-۱۲۳.
۷. آذری، سکینه و افضلی، روح الله و تارم، میثم (۱۴۰۱). «بررسی جرایم ارزهای مجازی از دیدگاه فقه جزایی»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۲ (۲)، ۱-۱۱.
۸. خادمان، محمود و کوشا، ابوطالب و نوری، فاطمه (۱۴۰۰). «شناسایی ماهیت حقوقی رمز ارزها با تحلیل ساختاری آن ها در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۵ (۱۱۵)، ۲۴۹-۲۷۲.
۹. سلیمانی پور، محمدمهدی و سلطانی نژاد، حامد و پورمطهر، مهدی (۱۳۹۶). «بررسی فقهی پول مجازی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، ۶ (۲)، ۱۶۷-۱۹۲.
۱۰. شعبانی، امیرحسین و محسنی دهکلانی، محمد (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی قانونی سازی بیت کوین»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۴ (۱)، ۲۰۹-۲۳۸.
۱۱. صادقی، محسن و ناصر، مهدی (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی چالش ها و راهکارهای به کارگیری ارزهای رمزنگاری شده دیجیتال در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۱ (۲)، ۲۷۵-۲۹۳.

۱۲. فلاحی، محمد و مومنی، علیرضا (۱۳۹۷). « بررسی قوانین مالی، مالیاتی و مبارزه با پولشویی پیرامون ارزشهای مجازی: مورد مطالعه اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا»، کنفرانس ملی رهیافت های نوین در مدیریت اقتصاد حسابداری.

۱۳. نبوی، سیدمهدی و صابر، محمود (۱۳۹۹). « مطالعه تطبیقی چالش های نظام عدالت کیفری ایران در دادرسی جرایم مرتبط با ارزشهای مجازی»، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲۴ (۱)، ۱۷۹-۲۰۹.

پایان نامه

۱۴. جعفر سعیدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل ردمال در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسین آقابابایی، گیلان: دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی، تاریخ دفاع ۱۳۹۲/۱۰.

ب - منابع لاتین

1. Doyle, C. (2019). Restitution in federal crimes, congressional research service, [crsreports.congress.gov/product/pdf/rl/rl34138](https://crsreports.congress.gov/product/pdf/rl/rl34138).
2. FINCEN. 2013. "Application of FinCEN's Regulations to Persons Administering, Exchanging, or Using Virtual Currencies."
3. IRS. 2014. "Notice 2014-21 ." <https://www.irs.gov/pub/irs-drop/n-14-21.pdf>.
4. SEC v. Shavers, No. 4:13-cv-00416, 2013 WL 4028182, at \*2 (E.D. Tex. Aug. 6, 2013) and Complaint at 1-2, SEC v. Shavers, No. 4:13-cv-00416 (E.D. Tex. July 23, 2013).
5. United States Department of Justice, The restitution process for victims of federal crimes, [www.justice.gov](http://www.justice.gov).
6. United States Department of Justice, The restitution process (fraud and financial crimes), [www.justice.gov/criminal-vns/restitution-process](http://www.justice.gov/criminal-vns/restitution-process).
7. Virgo, G. (2006). The principles of the law of restitution, 3rd ed, reimpr 2015, Oxford